

بررسی پیچ و خم های تصمیم گیری  
برای ازدواج بهتر

# راه درست کدوم وره؟



عکس: محسن حسینی



درباره  
یک هشتک جنجالی

## #دختران\_خیابان \_انقلاب یا فمنیست آبکی



چند پیشنهاد ساده و  
کاربردی برای این که  
لباس هایتان را بهتر اتو کنید

## اتوکشیده شوید



کسب و کار خانگی و ایده  
مجموعه بازی کودکان

## ایده مادرانه

منابع حمایتی

چشم به هدف

گام های تصمیم گیری

بینید چه چیزها و کسانی در زندگی از تصمیمی که می گیرید حمایت می کنند؟ خانواده یکی از مهم ترین منابع حمایتی است که اگر در اتخاذ آن تصمیم سهیم باشند حساسی پشتتان گرم خواهد بود. منابع دیگر در مرحله دوم قرار می گیرند. از طرفی این را هم بررسی کنید که چه منابعی بازدارنده شما از این تصمیم هستند. این موارد را حتما کشف کنید چرا که ممکن است یکی از هزینه هایی که در ازای تصمیمتان می دهید، از دست دادن بخشی از منابع حمایتی تان باشد که حالا با تصمیم شما موافق نیستند. در شماره بعدی این بحث را ادامه خواهیم داد.

در هنگام تصمیم گیری حتما و حتما باید یک چشم تان به اهدافتان باشد. به هر حال شما برای زندگی خودتان اهدافی را متصور شده اید که بناست ازدواج، شما را در رسیدن به این اهداف یاری دهد. پس دائم باید فاصله تا هدف را هم بررسی کنید. هر بخشی از موقعیت را بررسی می کنید، دقت کنید که در رسیدن یا نرسیدن به هدف چه تاثیری خواهد داشت. ممکن است هدف شما از زندگی این باشد که استعدادهای علمی تان را هر چه بیشتر شکوفا کنید، پس لازم است حتی در طراحی سوال های جلسه خواستگاری مطالبی را بپرسید که این موضوع را برایتان شفاف کند، راحت تر بفهمید که خواستگار فعلی آیا در رسیدن تان به هدف به شما کمک خواهد کرد یا خودش مانع می شود؟

نوع تصمیمی که شما می خواهید بگیرید در طی کردن مراحل تصمیم گیری تاثیری ندارد و به هر حال باید مراحل زیر را بگذرانید. اما تفاوت اینجاست که در تصمیمات حساس تر هریک از مراحل را با دقت و توجه بسیار بیشتری بگذرانید و تا می توانید ریزبین باشید.



بررسی موقعیت

خوب است برای مدتی به اهمیت تصمیم هایی که قرار است بگیرید فکر کنید. به این فکر کنید که تصمیم شما برای ازدواج به چه معناست؟ و در مرحله بعد تصمیم شما برای ازدواج با یک نفر به چه معناست؟ موقعیت تصمیم گیری را خوب بررسی کنید. شما برای چه موضوعی تصمیم می گیرید و اگر اشتباه کنید در کدام بخش های زندگی تان تاثیر خواهد داشت. خوب می دانید که تصمیم گیری با تغییر، رابطه تنگاتنگی دارد. وقتی تصمیم می گیرید به یک خواستگار جواب بله را بدهید، به همه تغییراتی که در زندگی تان ایجاد خواهد شد خوش آمد گفته اید. موقعیت تصمیم گیری را باید به خوبی بشناسیم، در این مرحله اصلا عجله نکنید و هر چه دقیق تر شرایط را بررسی کنید. اگر برایتان سخت است که یک نفر و شرایط او را بررسی کنید خوب است که ابعاد مختلفش را تفکیک کنید و در مورد هر کدام از آنها جداگانه فکر و بررسی کنید. مثلا شرایط او از لحاظ خانوادگی، شرایط کار و آینده شغلی، ویژگی های شخصیتی و ... هر حوزه ای که از نظر شما مهم است در این مرحله باید بررسی شود به هر حال شما باید موقعیت را به خوبی بشناسید.

# بررسی پیچ و خم های تصمیم گیری برای ازدواج بهتر راه درست کدوم وره؟

تکنم دره کی | تصمیم گیری یکی از موضوعاتی است که اگر هر لحظه در گیر آن نباشیم، هر ساعت حتما درگیر هستیم. اصلا آدمی وجود ندارد که تصمیم نگیرد، ما مدام در حال تصمیم گیری هستیم. البته که تصمیم ها کوچک و بزرگ دارند ولی اندازه شان هر قدر باشد با خود عواقبی را به همراه می آورند و عواقب همان تاثیراتی است که آن تصمیم بر بخشی از زندگی یا حتی تمام زندگی ما می گذارد. تصمیم هایی که کوچکی اینک ناهار امروز چه چیزی بخورم هم عاقبتی دارد مثل اینکه چه مواد مفید یا مضر وارد بدنم شده است، چه رسد به تصمیم های بزرگتر که تمام زندگی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. مثلا همین موضوع مهم ازدواج! از روزی که شما تصمیم می گیرید و به تلفن خواستگارا جواب می دهید یعنی آماده یک تصمیم گیری خیلی بزرگ که عواقب آن به اندازه تمام زندگی است، هستید. فکر نکنید از مرحله انتخاب همسر که بگذرید دیگر می توانید نفس راحت بکشید، خیر، تازه اول راه هستید. از اینجا ماجرا را بعد شما مسئولیت زندگی یک عده دیگر را هم به عهده گرفتید و تصمیم هایتان بر زندگی حداقل یک نفر دیگر که همسر تان است تاثیر خواهد گذاشت پس پیش از این باید مراقبت کنید. برای کسانی که فکر می کنند هنوز به اندازه کافی در این حوزه پیشرفت کرده اند جای نگرانی نیست، تصمیم گیری هم مهارتی است که می توانید روز به روز آن را بهبود ببخشید. این هفته و در چند شماره آینده در این مورد صحبت می کنیم.

تعریف دقیق تر

اصلا احساس نکنید سر کلاس دانشگاه هستید، برای آنکه بتوانیم شفاف تر با یکدیگر صحبت کنیم لازم است بعضی از تعریف های ساده را هم مرور کنیم. ببینید اگر شما تنها یک لباس برای پوشیدن در جلسات خواستگاری داشته باشید، باز هم وقتی قرار است یک خواستگار بیاید به سوال تکراری حالا چی پوشم فکر می کنید؟ می بینید که این نوع فکر کردن خنده دار است، ما تنها زمانی برای گرفتن یک تصمیم فکر می کنیم که گزینه های مختلفی پیش رو داشته باشیم. البته بعضی از تصمیم ها بر حسب عادت گرفته می شوند و خیلی نیاز به فکر کردن ندارد، اما تقریبا هیچ یک از مراحل تصمیم گیری ازدواج شامل این موضوع نمی شود و باید به همه چیز خوب فکر کنید. البته وقتی شما خواستگارهای متعددی داشته باشید ممکن است تصمیمات تکراری هم بگیرید مثلا اینکه چه نوع میوه ای برای مهمانی بخرید، وقتی دهمین خواستگار قرار است به منزل شما بیاید، برای این موضوع به اندازه خواستگار اول فکر نمی کنید و خیلی سریع تصمیم می گیرید. به هر حال وقتی از میان گزینه های مختلف یکی را انتخاب می کنید یعنی آمادگی آن را دارید که عواقب این انتخاب را به عهده بگیرید. آدم هایی که در تصمیم گیری خوب عمل می کنند و تصمیم های خوبی می گیرند، همان هایی هستند که به هنگام روبرویی با موقعیت دستپاچه نشده دست و پایشان را گم نمی کنند. آدم هایی که اعتماد به نفس پایینی داشته و احساس می کنند به هیچ دردی نمی خورند اصلا تصمیم گیران خوبی نیستند. در مقابل افرادی که به خودشان اتکا دارند و به قوه عقل خود مطمئن هستند بهتر تصمیم می گیرند. این افراد تصمیم گیری را شامل مراحل می دانند که یکی یکی باید طی شود پس از روبرو شدن با این موقعیت ها اصلا واهمه ندارند.

هدف

در هنگام تصمیم گیری حتما و حتما باید یک چشم تان به اهدافتان باشد. به هر حال شما برای زندگی خودتان اهدافی را متصور شده اید که بناست ازدواج، شما را در رسیدن به این اهداف یاری دهد.

خیره به ارزش ها

ارزش هایتان را مشخص کنید و تصمیم ها را با آن بسنجید، ارزش های مذهبی، خانوادگی، فرهنگی یا هر نوع دیگری که باشد باید در بررسی گزینه های مختلف لحاظ شود. تفاوت های ارزشی عامل بسیاری از اختلاف های زوجین است، در حالی که بسیاری از ارزش ها را به راحتی قبل از ازدواج می توانید کشف و بررسی کنید.

ارزش هایتان را مشخص کنید و تصمیم ها را با آن بسنجید، ارزش های مذهبی، خانوادگی، فرهنگی یا هر نوع دیگری که باشد باید در بررسی گزینه های مختلف لحاظ شود.

بینید چه چیزها و کسانی در زندگی از تصمیمی که می گیرید حمایت می کنند؟ خانواده یکی از مهم ترین منابع حمایتی است که اگر در اتخاذ آن تصمیم سهیم باشند حساسی پشتتان گرم خواهد بود.

## نکات ساندویچی درباره اتوکشی

\* اگر می‌خواهید روکش پارچه‌ای میز اتو بر اثر اتوکشیدن متوالی لباس‌ها، تغییر رنگ ندهد و لکه‌دار نشود، روکشی جداگانه به اندازه میز اتوی خود بدوزید یا از روکش‌های آماده استفاده کنید و هر چند وقت یک‌بار آن را خارج کنید و بشویید.  
\* برای جلوگیری از برق افتادن لباس‌های تیره هنگام اتوکشی، تکه‌ای پارچه به رنگ روشن روی آن‌ها پهن کنید و از روی آن لباس را اتو بزنید و برای سرعت بخشیدن به کار می‌توانید این پارچه را کمی نمدار کنید.  
\* لباس‌های نخی به سرعت چروک می‌شود. برای اتو کردن سریع آن‌ها می‌توان با آب پاش مخصوص کمی آب روی قسمت‌های مختلف لباس اسپری و بعد چروک لباس‌ها را راحت‌تر با اتو صاف کرد.

## مریم گلی هستم یک معتادا!

۱ امروز با خبر بد شروع شد، من معتاد به خرید هستم! اگر می‌پرسید این مرض را چطور توی خودم کشف کرده‌ام خیلی نمی‌دانم، فقط همین قدر بگویم که مرضی جدی است و اگر شما هم می‌خواهید درباره‌اش اطلاعات مفصلی به دست بیاورید، کافی است جست‌وجوی مختصری در گوگل انجام بدهید تا دست‌تان بیاید که من چه بیماری خطرناکی گرفته‌ام و شما اگر ندارید، حسابی مواظب باشید که به قول خانم جان از من بو نگیرید که این مرض حسابی هم مسری است. حالا این‌که من چطور بهش مبتلا شده‌ام، داستانش مفصل است و از یک روز بیایی نمی‌دانم چی چی در آستانه تولدم شروع شد که مامان و بابا به من کارت بانکی برای خودم دادند و تویش مبلغی که برای دختر هفده، هجده‌ساله خیلی هنگفت بود، ریختند. الان خانم‌جان صدایشان از پشت صحنه درآمده که امان از دست این اینترنت، اینترنت، اینترنت. دختر این عیب و علت‌ها چیه که روی خودت می‌گذاری؟! ولی یواشکی خدمت‌تان عرض کنم که این‌جا یعنی توی مخ من خبرهایی است و من اگر معتادی چیزی نشده باشم، دست کم دارم یواش‌یواش به شکل یک زن مصرف‌گرای وابسته به کالا درمی‌آیم و باید تا دیر نشده فکری به حال خودم بکنم.

“

انلان خانم‌جان صدایشان از پشت  
صحنه درآمده که امان از دست  
این اینترنت، اینترنت، دختر این  
عیب و علت‌ها چیه که روی خودت  
می‌گذاری؟! ”

۶۶

مرور با خبر بد شروع شد، من معتاد به خرید هستم!

## باز مرض جدید گرفته‌ای؟!

۲ مازیک برداشته‌ام و روی آینه‌ها اتفاق نوشته‌ام که خرید ممنوع و مقابلش چندتا ضربدر هم زده‌ام. مامان که بی‌خبر پشت‌سرم ایستاده، به نوشته جدی من نگاه می‌کند و می‌گوید: «مثل این‌که جریان جدی است؟!» ناخودآگاه زُست فیلسوف‌مآبان‌های می‌گویم و در حالی که مازیک را می‌زنم به چانه‌ام می‌گویم: «بله معلوم است که جدی است، شما می‌دانید که زنان عصر جدید با این‌همه امکاناتی که در اختیارشان است چرا به اندازه زنان قرن گذشته نتوانسته‌اند قله‌های موفقیت را طی کنند و حتی گاه عقب هم مانده‌اند؟! مامان کجکی می‌خندد و می‌گوید: «ه! لابد تو می‌دانی!» اشاره می‌کنم به کلمه خرید که روی آینه نوشته‌ام و می‌گویم: «به خاطر این کلمه شوم! شاید باورتان نشود، اما همه‌چیز زیر سر این کلمه است!» مامان چینی به ابرویش می‌اندازد و می‌پرسد: «کلاس جدیدی، جلسه‌ای، چیزی با زینب رفته‌ای؟!» صدایم درمی‌آید که «یعنی چی این حرف که می‌زنید. من دارم از مشکلات مهم خانم‌ها صحبت می‌کنم و بعد شما من رو دست می‌اندازید!» مامان سری تکان داده و می‌گوید: «نه به جان مریم‌گلی، ولی تا همین دیروز نمی‌شد از توی فروشگاه‌ها جمع کرد و حالا یک‌شبه از این‌رو به آن‌رو شده‌ای و شعارهای عجیب‌وغریب علیه خرید می‌دهی، خب تعجب کردم!» دوباره می‌زنم به آینه و می‌گویم: «واقعاً من تا همین چند روز پیش کور بودم و نمی‌دانستم دارم گرفتار چه مرضی می‌شوم!» خانم‌جان که در آستانه در ایستاده می‌پرد وسط حرفم که «خدا مرگم بده مادر باز مرض جدید گرفته‌ای?!»

۶۶

مازیک برداشته‌ام و روی آینه اتفاق نوشته‌ام که خرید ممنوع

فاطمه نیک

“

وقتی اسم اعتیاد به میان می‌آید، همه فوری مرد دروغدانی یا دندان‌های ریخته و سیاه و صورت چروک را تجسم می‌کنیم که سیگاری میان انگشتش در حال دود کردن است و خودش هم در گوشه‌ای جرت می‌زند. در حالی که اعتیاد انواع دارد و ما خانم‌ها هم به اندازه آقایان در معرضش هستیم. حالا این که چی شده من به اعتیاد گیر داده‌ام، در ادامه نوشته‌هایم را بخوانید متوجه می‌شوید.

## کشف جدیدی که ما را از کار و زندگی مان می‌اندازد

# من، مریم‌گلی، معتاد خرید



### پولده

بعضی‌ها از خسته می‌نارند بشمارند، حتی می‌کنند، متعجب شده‌اند «حالا حساب کنید می‌ش چندبار وسوسه می‌ش به کارت‌های می‌آید؟ اص شوی، چندتا صفحه شوی، چندتا صفحه را که تبلیغی نباشند»

## حس می‌کنم ارزشمندم

۲ درست است که نیاز دختر کوچک انسیه و حس مادری‌اش باعث شد مکانی برای بازی گروهی بچه‌ها راه بیندازد، اما او در ادامه مسیر متوجه شد که این فعالیت قسمتی از نیازهای خودش را هم تأمین می‌کند. او در این باره می‌گوید: «به‌جز دخترم دلیل دیگر راه‌اندازی این فعالیت و ادامه‌اش حس می‌بود که از انجام این کار در خودم شکل می‌گرفت. در حقیقت حضور در این کار و فعالیت مفید و مؤثرش یک نوع ارزشمندی برای خودم به همراه داشت. به‌جز این با شروع کار و استقبال اطرافیان متوجه شدم که وجود مجموعه‌ای برای بازی در روز به مدت چند ساعت به مادرها و فرزندان‌شان کمک بسیاری می‌کند و حلال خیلی از مشکلاتشان است.»



نگاه مسئولانه و به‌روزرسانی مداوم



## ۳

انسیه با این‌که رشته تحصیلی اولش را بی‌ربط به فعالیت این روزهایش نمی‌داند، اما در ادامه کار و با گسترش فعالیت‌هایش به فکر تجهیز مجموعه‌ای که راه‌اندازی کرده‌اند، افتاده است. او در این باره توضیح می‌دهد: «رشته اول تحصیلی‌ام چندان غیرمرتبط نبود. در رابطه با این شغلم آشنایی با اصول روان‌شناسی کودک و یکسری مهارت‌هایی را که در برخورد با کودک لازم است از آن‌جا به یادگار داشتم، ولی در ادامه کار و جدی شدن مسیر یکسری کلاس‌های آموزشی مورد نیاز را گذراندم؛ برای مثال در دوره‌های تربیت فرزند شرکت کردم و مدرک مریمی پیش‌دبستانی گرفتم. در کنار این‌ها هر روز به به‌روزرسانی خودم و فعالیت‌هایم توجه دارم و از مطالعه کتاب و مقاله‌ها و سایت‌های مربوط به کودکان و بازی با کودک غافل نمی‌مانم. در حقیقت با پیشرفت کار با دیدگاه مسئولانه‌تری به فعالیت نگاه می‌کنیم.»

## کسب‌وکار خانگی و ایده مجموعه بازی کودکان

# ایده مادرانه

فاطمه سلامتی ابرای خیلی از خانم‌های جوان ازدواج و به دنیا آوردن فرزند مساوی با کنار گذاشتن فعالیت اجتماعی‌شان است، اما از آن‌جایی که همیشه استثنایی هم وجود دارد، بعضی از خانم‌های جوان خوش‌فکر پیدامی‌شوند که توانش را دارند از هر چالش فرصتی بسازند، آن‌هم نه فقط برای خودشان و خانواده‌شان که گاه چالش زندگی آن‌ها تبدیل به حرکتی برای بقیه هم می‌شود. «انسیه غفاری» یکی از این خانم‌های جوان خوش‌فکر است که به خاطر کمک به دختر کوچک چهارساله‌اش فعالیت اجتماعی راه‌انداخته است؛ فعالیتی که کم‌کم شکل گرفته و تبدیل به مجموعه بازی برای کودکان شده است. اگر کنجکاوید بفهمید انسیه چطور چنین شاهکاری زده است در گفت‌وگوی ما با او همراه باشید.

## به خاطر دخترم دست‌به‌کار شدم

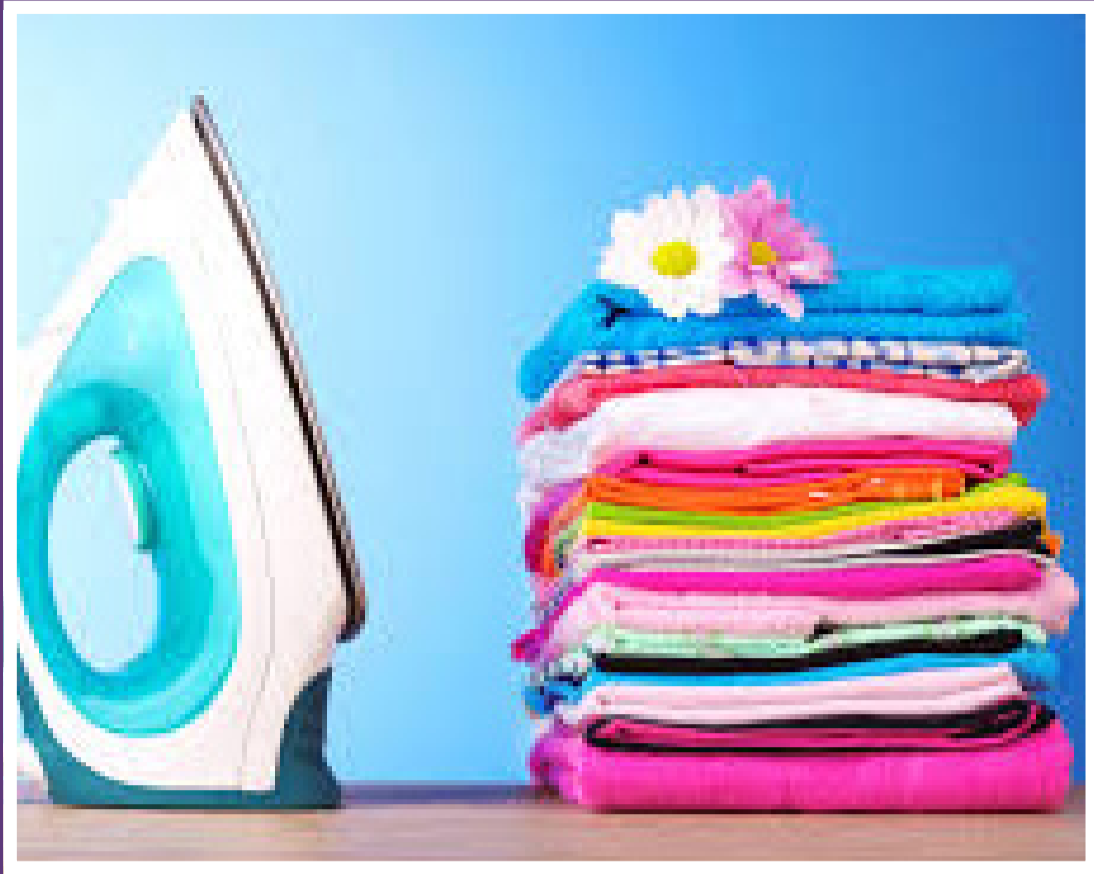
۱ انسیه ۳۶ سال دارد و صاحب سه فرزند است. از او می‌خواهم درباره تحصیلات و فعالیتی که این روزها با داشتن سه فرزند درگیرش است، برایمان بگوید: «در مورد تحصیلاتم باید بگویم که مدرک مربی قرآن برای مقطع پیش‌دبستانی دارم و علاوه بر آن روزنامه‌نگاری هم خوانده‌ام. در حال حاضر با کمک چندتا از دوستان مجموعه‌ای با محوریت بازی برای کودکان راه‌اندازی کرده‌ایم. الان که فکر می‌کنم انگار علاقه به آموزش مربیگری برای کودکان پیش‌دبستانی خیلی اتفاقی نبوده است. انگار قرار بوده سال‌ها بعد از تحصیلات رشته اولم درگیر این موضوع بشوم، اما دلیل اصلی این‌که تصمیم به شروع کار گرفتم نیازی بود که درون خانواده با آن رویه‌ور شدیم. من یک مدرک، دختر چهارساله کوچکی در خانه دارم که تنهاست. درون کودکم نیازهایی را دیدم که فقط در جمع بودن و با جمع بودن آن‌ها را برطرف می‌کرد، اما با توجه به سن دخترم بیرون از خانه جمعی را که بتوانم در آن با خیال راحت از کودکم جدا بشوم، پیدا نکردم و از جهتی ترجیح می‌دادم که فرزندم کنار خودم و در جمع و محیطی امن باشد؛ این نیاز من را به سمت فعالیت امروز راهنمایی کرد.»

در مورد تحصیلاتم باید بگویم که مدرک مربی قرآن برای مقطع پیش‌دبستانی دارم و علاوه بر آن روزنامه‌نگاری هم خوانده‌ام

“

### کمک به بچه

شاید در نگاه اول ایده مادرانه حقیقت جمع کردن بچه‌ها با بازی، فکری بزرگ است که هم به کار مادر بچه‌ها را به کمک بهترین چیزی که در کنار همسرن‌سال‌ها بودن، برطرف کرده در ابزار و امکانات هم دارد که انسیه در به خریداری اقلامی برای بازی و آموزش خریداری شد. ما چهار همکار ثابت یا به که توانایی و شرایط کار را دارند، هم گاه فعالیت ما فضای مناسب است که کمتر نرمالی برای بازی‌ها را داشته باشد. مؤ کارمان بوده و هم چنان هست. در ادامه ایده‌های ذهنی‌مان رفتیم و تأمین سرم هم یکی دیگر از کارهایمان بود؛ البته که برای رسیدن به این موضوع یکی از کنارش هم‌چنان از مشاوره متخصصان



چند پیشنهاد ساده و کاربردی برای این که لباس‌هایتان را بهتر اتو کنید

## اتو کشیده شوید

مریم نیک‌پور | لباس‌های چروک روی هم انباشته‌شده، روی عصاب‌ترین بخش روزی است که برای کلاس یا قرار کاری مهم خواب مانده‌اید! تازه آن جاست که نه تنها به قدر کافی بلکه خیلی بیشتر از حد تصور از کار و زندگی خود عقب افتاده‌اید و اتو به دست می‌خواهید لباسی مرتب بر تن کنید. این اتفاق دقیقاً لحظه‌ای رخ می‌دهد که در طول هفته هر روز هر بار به فکر اتو کردن لباس‌ها افتاده‌اید و از آن جایی که آن را کاری خسته‌کننده و حوصله‌سربر و وقت‌گیر دیده‌اید، از چند فرسخ‌اش برای خود بهانه‌های بزرگ و کوچک آورده‌اید تا شانه از این بار سنگین خالی کنید، اما اتو کشیدن لباس هم مثل هر کار دیگری روش و کاربردی می‌خواهد تا دیگر برایتان مشقت‌آور نباشد.

باشد چرا که ممکن است پولک‌ها تغییر شکل بدهند. \* در صورتی که از نخ نامرئی برای دوخت استفاده شده است تا حد امکان از اتو کردن خودداری کنید. لیاف پلاستیکی حتی در مقابل حرارت کم نیز شکل اولیه خود را از دست می‌دهند و پارچه آسیب می‌بیند.

### اتو کشی با فویل

برای از بین بردن چروک‌های پارچه‌های ابریشمی، پشمی و ریون که نمی‌توان آن‌ها را در معرض حرارت مستقیم قرار داد، ورق آلومینیومی را روی میز اتو بگذارید، سپس لباس را روی آن پهن کنید. با بخار اتو به سطح لباس، حرارت ۳ تا ۴ اینچ بالای تاروپود پارچه عبور می‌کند و گرمای مرطوبی که از فویل به سطح لباس می‌خورد باعث برطرف شدن چین‌چروک‌های لباس می‌شود.

### رفع چروک لباس بدون اتو

وقتی در سفر هستید یا اتوی شما سوخته است یا برق ندارید یا به هر دلیلی به اتو دسترسی ندارید، برای برطرف کردن چروک‌ها، لباس‌ها را به چوب لباسی بزنید و سپس آن‌ها را در نقاط مختلف حمام آویزان کنید. پنجره‌های حمام را بسته و شیر آب گرم را باز کنید و مجرای خروج آب را هم ببندید. یک ساعت بعد زمانی که سراغ لباس‌ها بروید تقریباً همه چروک‌ها صاف شده‌اند.

### یک روش دیگر در مسافرت

اگر در سفر هستید و اتو همراه‌تان نیست می‌توانید چروک لباس‌ها را با آویختن آن‌ها از جالباسی در حمام بخار گرفته، باز و صاف کنید، اما اگر قصد حمام رفتن ندارید یا فضای حمام بخار آب کافی ندارد، می‌توانید با دست به لباس‌تان آب بپاشید و آن را مرطوب کنید تا چروک‌ها باز شوند، سپس با گرفتن هوای داغ سشوار از فاصله مناسب با لباس، آن را خشک و برای پوشیدن آماده کنید.

### اتو کشی پارچه‌های مخمل

همیشه پارچه‌های مخمل در معرض از بین رفتن پرهزایشان در زمان اتو کشی هستند، برای این که به این پارچه حساس آسیبی نرسد، لباس را به پشت برگردانید، یک ظرف پر آب جوش بیاورید و لباس را روی آن بگیرد تا با بخار آن اتو شود.

### اتو کشی لباس‌های ابریشمی

برای اتو کشی لباس‌های ابریشمی ابتدا آن‌ها را کمی با آب مرطوب کنید و سپس از پشت، در حالی که تکه‌ای پارچه نخی روی آن قرار داده‌اید اتو کنید.

### اتو کشی پرده

هنگام اتو کردن پرده‌ها، صندلی‌ای در پشت میز اتو قرار دهید و قسمت‌هایی از پرده را که اتو کرده‌اید روی صندلی بگذارید تا به این ترتیب از افتادن پرده روی زمین و چروک شدن دوباره آن و هم‌چنین سنگین و کشیده شدن باقیمانده پارچه پرده جلوگیری شود.

### همه دست‌به‌دست هم

اتو، میز اتو، درجه حرارت اتو، صفحه کف اتو و... روی سختی و آسانی و کیفیت اتو کشی تأثیر بسزایی دارند. پس قبل از این که از اتو کشی صحبت کنیم بهتر است به ابزار این کار هم بپردازیم، میز اتو هرچه بزرگ‌تر باشد بهتر است، نباید خیلی نرم باشد، نباید هم خیلی خشک باشد، بالشک‌های میز برای اتو کشی نفاطی که نمی‌توان آن‌ها را روی میز اتو پهن کرد، مثل سرشانه لباس یا آستین به کارتان می‌آیند. مهم نیست اتوی شما از چه برندی باشد، اما مهم است که کف سرامیکی آن کیفیت خوبی داشته باشد چرا که مهم‌ترین بخش این وسیله است. بعضی از اتوهای ارزان‌تر کف استیل دارند. این کف اتو به پارچه لباس آسیب می‌رساند و باعث برق افتادن لباس می‌شود.

به سوراخ‌های کف اتو توجه کنید، سوراخ‌ها هرچه بیشتر باشد بهتر است. باید به طور یکسان در کف اتو (به‌خصوص نوک آن) توزیع شده باشند. اتو هرچه سبک‌تر و کوچک‌تر باشد، اتو کشی با آن راحت‌تر است. اگر سیستم ضد آهک و سردکننده داشته باشد هم جزو امتیازهای آن محسوب می‌شود.

### خط اتوی شلوار

همه می‌دانند خط اتوی شلوار، از سخت‌ترین کارهای عالم است و اگر برای کسی انجام دهید قد کوه‌کنندن فرهاد برای شش‌هین ارزش دارد، پس خوب دقت کنید تا خط اتوی شلوارتان هندوانه را ببرد. \* برای اتو کشیدن شلوار نباید اتو را روی آن حرکت دهید بلکه باید پرس کنید، درواقع این فشار و بخار است که کار صاف کردن پارچه را انجام می‌دهد نه حرکت اتو! \* اگر خط اتوی شلوار را گم کرده‌اید برای پیدا کردنش کافی است شلوار را روی میز اتو به شکل کاملاً صاف پهن کنید و دو پای آن را طوری روی هم قرار دهید که درزا مقابل یکدیگر قرار بگیرند. اگر این کار را دقیق انجام دهید خط اتو را پیدا می‌کنید.

\* برای این که شلوار شما خط اتوی خوبی داشته باشد در محل خط انداختن آن صابون بکشید، سپس اتو کنید. \* خط اتو باید تا بالای شلوار و حدود ۱۵ سانتی‌متر قبل از فاق آن ادامه پیدا کند. همیشه ابتدا خط اتوی بخش جلوی شلوار را بیندازید. زمانی که خط اتوی شلوار تمام شد، شلوار را از بخش کمر آن یکی، دو ساعت آویزان کنید، سپس ببوشید.

### اتوی پارچه‌های کار شده

بیشتر پارچه‌هایی که نقش‌های سوزن‌دوزی، مرواریددوزی و سرمه‌دوزی دارند کار را برای اتو کشی سخت می‌کنند، چون همیشه نگران این هستید که تکه‌ها به آن‌ها آسیبی نرسد یا کف اتو آسیب ببیند. برای اتو کشی این دست از پارچه‌ها به نکات زیر توجه کنید:

\* هرگز نباید اتو را مستقیماً روی کار بگذارید بلکه باید در پشت کار یک تکه پارچه نمدار سفید بیندازید و اتو را روی محل مورد نظر بگذارید و بردارید. حرکت اتو روی دست‌دوزی‌ها ممکن است به کار آسیب بزند و باعث جابه‌جایی نخ‌ها، منجوق‌ها یا ملبله‌ها شود. \* اتو کشی پولک باید با حرارت کاملاً ملایم یا حداقل درجه



\* برای اتو کردن لباس‌های دکمه‌دار و زیپ‌دار، ابتدا پارچه‌ای روی قسمت‌های برجسته لباس بیندازید و بعد اتو را روی آن بکشید تا روی لباس خط نیفتد. \* اگر می‌خواهید لباس یا رومیزی گلدوزی یا پولک‌دوزی شده‌ای را اتو بکشید، بهتر است حوله‌ای را روی میز اتو پهن کنید و لباس یا رومیزی را به صورت برعکس روی حوله قرار دهید و شروع به اتو کشی کنید. با این کار قسمت‌های برجسته پارچه، پرس و تخت نمی‌شود. \* هنگام اتو کردن پرده‌های بلند و بزرگ خانه، قسمت‌های اتوشده را روی یک یا دو صندلی که پشت میز اتو قرار داده‌اید، بیندازید تا دوباره چروک و زحمت شما دوبرابر نشود. \* هنگام اتو کردن لباس‌ها می‌توانید ملحفه‌ها را به صورت دولا یا چندلا روی میز اتو پهن کنید تا آن‌ها هم به همراه لباس‌ها اتو شود و بعد تنها به زمان کوتاهی برای صاف کردن قسمت‌های تاشده آن‌ها نیاز دارید. \* پس از استفاده از اتوی بخار، نه تنها باید آب مخزن آن را خالی کنید بلکه اگر دستگاه اتو دکمه مخصوصی برای خارج کردن بخار دارد نیز باید آن را آن‌قدر فشار دهید تا باقیمانده آب داخل مسیر آن هم بخار شود و در صورت خارج شدن رسوب به صورت خرده کچ، نگران نباشید، چون این رسوبات لکه‌ای ایجاد نمی‌کند و فقط باید پارچه یا لباس را بتکانید تا جدا شود.

### خیر نیبنی اینترنت

۳ مامان با شنیدن این حرف می‌خندد و خانم‌جان می‌گوید: «خدا بخیر بگذرونه! خیر نیبنه این اینترنت که تو هی می‌ری توش می‌ای بیرون واسه خودت مرض جدید پیدا می‌کنی!» مامان بلندتر می‌خندد و می‌گوید: «نگران نباشید خانم‌جان، ظاهراً این جناب اینترنت این بار بانی خیر شده و دارد اتفاق‌های خوبی می‌افتد!» بعد هم می‌رود به سمت در و می‌گوید: «این قدر حرف زدی یادم رفت بگم، زینب زنگ زد گفت داره میاد دنبالت برید نمی‌دونم کجا؟! ای وای می‌گویم و غر می‌زنم چرا زودتر نگفتید اصلاً حالا چی ببوشم من؟! که خانم‌جان و مامان برگشته و چپ‌چپ نگاهم می‌کنند. من فوری خودم را جمع‌وجور کرده و می‌گویم این هیچ ربطی به مصرف‌گرایی ندارد، بالاخره آدم باید حواسش به پوشش‌اش باشد. مامان سری تکان داده و می‌گوید: «تو راست می‌گی، ولی کار از همین جاها خراب می‌شه» و دو نفری بیرون می‌روند. با شنیدن این حرف فوری در کمد را می‌بندم و لباسی را که دپروز پوشیده بودم از جالباسی برداشته و فوری می‌پوشم. با این که خیلی از سر و وضع راضی نیستم، اما با خودم عهد کرده‌ام مدتی به خودم سخت بگیرم و ساده ببوشم تا بتوانم غول اعتیاد را شکست بدهم. زینب که از راه می‌رسد و سر و وضع من را می‌بیند با تعجب می‌پرسد: «حالت خوبه؟ داریم می‌ریم خونه نجلا، چرا لباس‌هایی را که دپروز توی کلاس رانندگی پوشیده بودی دوباره پوشیدی؟» جواب می‌دهم: «من دیگه نمی‌خوام گول این حرف‌ها رو بخورم، با یک دست لباس ساده و تمیز می‌شه همه‌جا رفت.»

### کی فکرش رو می‌کرد؟

۴ توی راه کلمه‌ای با زینب حرف نمی‌زنم. از این که به لباسم ایراد گرفته کمی بهم برخورد است، اما با خودم می‌گویم ایراد ندارد، هر کسی می‌خواهد خلاف جریان حرکت کند باید سختی‌هایی را تحمل کند، بالاخره می‌رسی مهمانی و من توی مهمانی مدام با دیدن دوستانم که لباس‌های جدید، زیورآلات جدید و خرت‌وپرت‌های دیگر خریده‌اند، لبم را گاز می‌گیرم و همه سعی‌ام را می‌کنم که حرفی نزنم تا این که «آرزو» با نشان دادن صفحه فروش لباس‌های برند که تخفیف هم دارد، باعث می‌شود کنترل‌م را از دست بدهم و یک مرتبه می‌گویم: «تا کسی می‌خواهد گول این چیزها را بخورید، این مارک‌ها و برندها نه تنها در خدمت ما نیستند بلکه یک‌جورهایی دشمن ما هستند و نمی‌گذارند ما به جایگاه اصلی‌مان برسیم.» تا این را می‌گویم سکوت همه مهمانی را فرا می‌گیرد و دخترها با تعجب به سمت من برمی‌گردند. آرزو چشم‌هایش را گرد کرده و می‌گوید: «چی شده؟ الان دولچه و گایانا دشمن ماست؟ یا شئل؟» بعد هم می‌زند زیر خنده و پشت‌سرش بقیه دخترها می‌خندند. نجلا با دیدن قیافه دماغ من خنده‌اش را می‌خورد و می‌گوید: «مریم جان! چرا این قدر ناراحت هستی؟ فقط داریم صفحه فروش لباس رو می‌بینیم!» می‌گویم: «نه دیگه فقط یک صفحه نیست که الان هر کدام به نوبت بگویند که چندتا صفحه این‌جوری را دنبال می‌کنید؟ لطفاً صفحه‌های لوازم آرایش و بقیه چیزفروشی‌های دیگر را هم بشمار بدید!» نجلا فوری گوشه‌اش را درمی‌آورد و مشغول شمردن می‌شود و بقیه دخترها هم به دنبالش همین حرکت را تکرار می‌کنند.

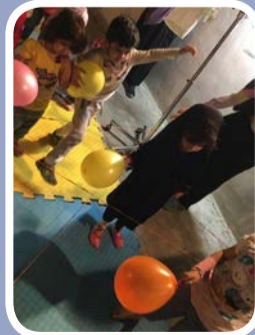
می‌کنند و بعضی هم زیر لب چیزی می‌گویند. آرزو آهی کشیده و جواب می‌دهد: «این قدر سخت بگیر بالا! حالا ما که این قدرها هم وضعمان خراب نیست!» زینب که تا حالا ساکت بوده می‌گوید: «من فهمیدم مریم چه می‌گوید، الان من به‌سختی هزینه کلاس‌های نقاشی‌ام را جور می‌کنم، نجلا هم کلی کتاب نخوانده دارد که هیچ‌کدام ارزان نیستند، آرزو بالاخره باید بعد از شاگردی و آموزش، کسب‌وکار خودش را راه بیندازد، اما ما هیچ‌کدام نه تنها پول در نمی‌آوریم و سرمایه نداریم که همان مقداری هم که والدینمان در اختیارمان می‌گذارند، خرج چیزهای غیرضروری می‌کنیم، این‌جوری چطور می‌خواهیم مستقل شده و برنامه‌هایمان را دنبال کنیم؟» نجلا دستی می‌زند و می‌گوید: «ایول! گرفتیم چی می‌گی! مریم راست می‌گه این برندها یک‌جورهایی دشمن ما هستند، چون هم وقت ما را می‌گیرند و هم نمی‌گذارند پولمان را صرف رشد خودمان کنیم.»

### مان را صرف رشدمان کنیم

اعداد به دست آمده تعجب می‌کنند و چندتایی می‌شوند و می‌گویند این قدر زیاد است که حوصله‌اش می‌زنم به هم از تعداد صفحه‌های خریدی که دنبال و می‌گویند: «اصلاً فکرش را نمی‌کردم.» جواب می‌دهم: روز روز چقدر برای دیدن این صفحه‌ها وقت می‌گذارید؟ بویید چیز جدیدی بخرید؟ چقدر خریدهایی که می‌کنید سلا این‌ها را بی‌خیال نجلا، تو دوست داشتی نویسنده ادبی را دنبال می‌کنی؟ پرستو تو می‌خواهی پزشک علمی داری؟ اصلاً پیچ‌های سفر یا کتاب یا حتی ورزش چندتایتان دارد؟» بچه‌ها دوباره سرشان را توی گوشه

### پیشنهادی مادرا نه برای بچه‌ها

از یک احساس نیاز به این مرحله از فعالیت رسیده است، می‌گوید: «خب می‌فکر نمی‌کردم و برای شروع کار اول از منزل و دوستان و اقوام خودم چولوهای همسن دخترم داشتند به منزل دعوت کردم و به مامان‌ها گفتم کنم و بچه‌ها هم در این ساعت‌ها می‌توانند کنار هم بازی کنند. خب این بران شاغل یا آن‌هایی که فعالیت تحصیلی یا آموزشی داشتند، روبه‌رو شد. مامان‌ها دیدم به این فکر افتادم که به کارم وسعت بیشتری بدهم، با خواهر و مجموعه کتابفروشی «به نشر» هم پیامی دریافت کردیم مبنی بر راه‌اندازی خانه که ما برای شروع از این فرصت استفاده کردیم. بعد از پیدا کردن مکان، تان و اقوام دعوت کردیم تا در گروه عضو بشوند و فعالیتمان را شروع کردیم، شرایط از آن‌جا به مکان دیگری رفتیم.»



### اگر مادر نبودم، مسیرم این نبود

۶ وقتی از انسیه می‌خواهم کمی در مورد منابع فعالیتش بگویم و این که آیا زن بودنش مانع فعالیتش نشده، می‌گوید: «به عنوان یک زن یا به خاطر جنسیت‌م اصلاً به مشکل برخوردیم، بیشتر حس می‌کنم که چون زن و مادر بودم به این مسیر آمدم. مهم‌ترین مانعی که ما با آن برخورد کردیم به خاطر بیمه بچه‌ها بود. مراحل اداری کسب مجوز پیچیده است. هر چند این سختی‌ها کنار این که می‌دانم مؤثر بودم، چیزی نیست.»

به عنوان یک زن یا به خاطر جنسیت‌م اصلاً به مشکل برخوردیم، بیشتر حس می‌کنم که چون زن و مادر بودم به این مسیر آمدم

### هر روز نتیجه کارم را می‌بینم

۷ در پایان گفت‌وگو از انسیه می‌پرسم آیا فعالیتش نتیجه‌ای مطلوب هم داشته و به نتیجه‌ای که می‌خواسته رسیده است. او در پاسخ می‌گوید که هر روز نتیجه مثبت فعالیتش را در خودش، همکاری‌اش و بچه‌ها می‌بیند و ادامه می‌دهد: «من کار شاد و مفیدی را انتخاب کردم و همیشه با خودم می‌گویم کاش زودتر اقدام می‌کردیم. کار ما با کسب تجربه برای خود و افرادی که با آن‌ها کار می‌کنیم، توسعه پیدا می‌کند. در مورد خودم باید بگویم این کار باعث شد دیدگاه بهتر و قدرتمندتری از خودم داشته باشم و باعث تغییر رفتار و ایجاد حس همدلی و همراهی با بچه‌ها در دخترم شد. تا آن جایی که خودش الان دنبال راه‌حل می‌گردد و زمینه مشارکت را به وجود می‌آورد.»





شاید صحبت‌های خانم کارگردان در مورد آن‌ور آبی‌ها و فعالیت‌هایشان برای تحریک جوان‌ها در کشور و سوءاستفاده از حرکت‌های اعتراضی آن‌ها نکاتی داشت که به مذاق خیلی‌ها خوش نیامد و به همین خاطر ایشان طی چند روز مدام در فضای مجازی مورد توهین و افترا قرار گرفتند. آن‌قدر که خانم کارگردان مجبور به واکنش مجدد شد و روی صحبت‌هایش اصلاحیه‌هایی وارد کرد. با این‌همه انتشار این گفت‌وگو و حواشی‌اش دوباره موضوع دختران خیابان انقلاب و درخواست‌هایشان را تازه کرد. دخترانی که مدتی است به یک هشتگ و عکس تبدیل شده و در فضای مجازی هر چند وقت یک‌بار به بهانه‌های متعدد دست‌به‌دست می‌شوند و پس از مدتی ما دوباره در هجوم خبرهای جدید فراموش‌شان می‌کنیم.

## درباره یک هشتگ جنجالی

# #دختران\_خیابان\_انقلاب یا فمینیست آبکی

دختران امروز بود، دخترانی که حساسی از این کار هیجان‌زده بودند و عده‌ای بدون آن‌که بدانند چی به چی است، این حرکت را کار باحالی می‌دانستند و آن‌قدر هیجان این کار به دلشان نشسته بود که بدشان نمی‌آمد آن‌ها هم قاطی‌اش شوند و اصلاً هم توجهی به رسانه‌های این‌وری و آن‌وری نداشتند که چه می‌گویند و چطور دارند از شان استفاده یا سوءاستفاده می‌کنند و کار خودشان را می‌کردند. دخترانی که بدون شک اگر هشتگ نمی‌شدند و به فضای مجازی نمی‌آمدند، خیلی از همجنس‌شان بین صفحات رنگ‌ووارنگ شبکه‌های اجتماعی و خبرهای زرد سلبریتی‌های الکی از شان باخبر نمی‌شد.

### انقلابی یا بیگانه؟!

همان‌طور که گفتیم پس از حرکت دختران خیابان انقلاب، مسئولانی کلاً این موضوع را حرکتی بیگانه خواندند، اما افرادی هم بودند که در این میان در مورد این‌که چرا این اتفاق افتاده و دختران در حقیقت چه می‌خواهند حرف‌هایی زدند؛ برای مثال یکی از نمایندگان مجلس در واکنش به ماجرای دختران خیابان انقلاب در توییت نوشت: «دختران خیابان انقلاب همان دخترانی هستند که سال‌هاست برای سهمیه قبولی کنکور، اشتغال، مشارکت سیاسی، تصدی پست‌های مدیریتی، حضور در ورزشگاه‌ها، اجرای موسیقی زنده روی سن و... پشت دروازه‌های تبعیض جنسیتی مانده‌اند.» عده‌ای هم به شکل دیگری آن‌ها را قضاوت کرده و گفتند که دختران انقلاب؛ نتیجه محدودیت‌هاست، مسئولانی هم همه‌چیز را بر گردن سیاست‌های مربوط به حجاب انداختند و گفتند اگر بعضی از برخوردها نبود، امروز این اتفاق نمی‌افتاد. جالب این‌که نماینده‌ای هم بود که گفت نباید این موضوع را خیلی جدی گرفت.

### حقوق دروغی و دختران راستکی

تصویر دختران انقلاب غم‌انگیز است، اظهارنظرهای بعضی از مسئولان هم غم‌انگیز است. مخالفت‌ها و موافقت‌ها با آن‌ها هم به هشتگی برای سوءاستفاده می‌شود هم غم‌انگیز است، اما آن‌چه از همه غم‌انگیزتر است، فمینیست آبکی است که این روزها به اسم احقاق حقوق زنان به بدترین شکل ممکن مد شده است و هیچ‌چیزش به هیچ‌چیزش نمی‌آید و به جای این‌که دردی از آن‌ها دوا کرده و مشکلی را برطرف کند، در درازمدت به ضرر زن‌ها تمام خواهد شد. فمینیستی که آن‌قدر بازاریا بین دختران داغ شده است که کسی از خودش نمی‌پرسد مگر سی سال پیش زنان به اصطلاح در انتخاب پوشش خود آزاد نبودند، این آزادی چه کمکی به برطرف کردن تبعیض‌های موجود در جامعه کرد؟ این آزادی کدام صندلی دانشگاهی، سمت مدیریتی یا جایگاه اجتماعی را برای زنان به دست آورد؟ اگر ما امروز به ورزشگاه برویم، مشکل دخترانی که در شهرهای مرزی در کودکی به خانه بخت می‌روند، حل خواهد شد؟ یا نشستن ما روی سکوی سیمانی ورزشگاه می‌توانیم خلأهای قانونی مربوط به زنان در موضوع ازدواج، طلاق و ارث را برطرف کنیم؟ اصلاً اگر قرار است به خیابان بیاییم باید برای چه باشد و اولویت با چیست؟ هر چه دختران خیابان انقلاب راستکی هستند، حقوقی که قرار است برایش عمرشان را که مهم‌ترین سرمایه هر انسانی است هزینه کنند، الکی و دم‌دستی است. آن‌قدر دم‌دستی که آدم عاقل شک برش می‌دارد نکند کاسه‌ای زیر نیم کاسه است که می‌خواهند زن ایرانی را همچنان متوقف به ظاهر نگه دارند و آن‌ها را ناتوان از وارد شدن در تصمیم‌گیری‌های مهم نشان دهد. ظواهری که به جای آن‌که دردی از شان دوا کند، آب به آسیاب دگران ریخته و تنها آن‌ها را خام‌تر و پریشان از نسل‌های گذشته معرفی می‌کند.



همه‌چیز از حرکت دختری در خیابان انقلاب شروع شد و خیر و عکسش به سرعت در فضای مجازی منتشر شد. بعد از حرکت این دختر، دختران دیگری هم کار او را تکرار کرده و کم‌کم افراد مختلف سیاسی و فرهنگی به این موضوع واکنش نشان دادند. یکی از تازه‌ترین واکنش‌ها به ماجرای دختران انقلاب از سمت «مرضیه برومند»، کارگردان کهنه‌کار و محبوب تلویزیونی بود. واکنشی که به سرعت در فضای مجازی دست‌به‌دست شد و با بازخوردهای متفاوت و گاه تندی همراه شد.

### دخترانی که هشتگ شده‌اند

شاید صحبت‌های خانم کارگردان در مورد آن‌ور آبی‌ها و فعالیت‌هایشان برای تحریک جوان‌ها در کشور و سوءاستفاده از حرکت‌های اعتراضی آن‌ها نکاتی داشت که به مذاق خیلی‌ها خوش نیامد و به همین خاطر ایشان طی چند روز مدام در فضای مجازی مورد توهین و افترا قرار گرفتند. آن‌قدر که خانم کارگردان مجبور به واکنش مجدد شد و روی صحبت‌هایش اصلاحیه‌هایی وارد کرد. با این‌همه انتشار این گفت‌وگو و حواشی‌اش دوباره موضوع دختران خیابان انقلاب و درخواست‌هایشان را تازه کرد. دخترانی که مدتی است به یک هشتگ و عکس تبدیل شده و در فضای مجازی هر چند وقت یک‌بار به بهانه‌های متعدد دست‌به‌دست می‌شوند و پس از مدتی ما دوباره در هجوم خبرهای جدید فراموش‌شان می‌کنیم.

### اعتراضی که مد شده است

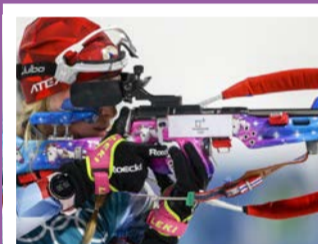
حرف امروز و دیروز نیست، از چند دهه پیش همیشه حرکت‌هایی به نام احقاق حقوق زنان و مبارزه علیه تبعیض جنسیتی در ایران راه افتاده است. حرف و حدیثی که هر چند وقت یک‌بار به بهانه‌های مختلف تازه می‌شود و کار به جایی رسیده است که حرف از احقاق حقوق زنان و فعالیت برای برداشتن تبعیض علیه آن‌ها مد شده است. حالا اگر آن‌ور آبی‌ها علمش نکنند، این‌ور آبی‌ها هم بی‌کار نمانده و هر چند وقت یک‌بار به اسم توجه به حقوق زنان و مردسالاری و نگاه سنتی به زن حرف و حدیثی راه می‌اندازند. ولی چند سالی است شکل و شمایل این اعتراض‌ها تغییر کرده است و به همان اندازه که این تلاش‌ها رنگ عوض کرده‌اند، در محتوا هم متفاوت شده‌اند؛ برای مثال اگر زن ایرانی در گذشته برای رسیدن حق تصمیم‌گیری در ازدواج، حق درس خواندن و داشتن شغل و حضانت فرزند می‌جنگید، چند سالی است که دختران ایرانی برای مساواتی مثل رفتن به ورزشگاه و رفتن روی سن و این‌آخرکاری‌ها برای نداشتن حجاب حرف از حق و حقوق می‌زنند و به خاطرش دست به حرکت‌های نمادین زده و حتی جنسیتشان را انکار کرده و حاضر می‌شوند با پوشش مردانه به ورزشگاه بروند یا روسری که سال‌ها نماد زن ایرانی بوده، سر چوب کرده و در خیابان بایستند.

### اعتراضی که هیجان داشت

شاید مخفیانه رفتن به ورزشگاه چندان جاروجنجال به پا نکرد، اما دختران خیابان انقلاب با حرکتی که زدند خیلی زود تبدیل به هشتگ در فضای مجازی شدند. هشتگی که طرفداری ازش مد شد. همه عکس این دختران را دست‌به‌دست می‌چرخاندند، هم این‌وری‌ها و هم آن‌وری‌ها فریاد واویلا سر می‌دادند که دیدید چه کردید؟ و دختران را به کجا رساندید که این‌طوری مجبور به واکنش شدند و هر کس از هر طیف و گروهی حرف‌های خودش را زد و تنها چیزی که شنیده نشد حرف و صدای واقعی

## المپیک دخترانه

استقبال دختران جوان از رقابت‌های المپیک زمستانی پیونگ چانگ، کره جنوبی.



تنها جذابیت بارون برای من اینه که مواظب باشم باهام تو جاله‌های آب توی پیاده‌روها نره.

### #آقای همساده

تا زگی متوجه مسائلی شدم که قبلاً متوجه نبودم، کاش شماها هم متوجه این مسائل بشید، زندگی تون زیباتر می‌شه.

### #خوشمزه خان

ماهی رو هر وقت از آب بگیری تازه است. همین الان شاد بودن رو شروع کن، مهم نیست چند سالت. پیر شدن نتیجه طرز فکر منفی ماهاست.

### #استاد بزرگ

در مقطعی از سال هستیم که جمله «از شنبه» به جمله «ایشالا بعد از عید» تبدیل می‌شه.

### #تنبیل خان

همیشه دوست داشتم با یه دونه از این چمدون دسته بلندهای چرخ‌دار تو سالن ترانزیت فرودگاه باشم، اما معمولاً با یه کوله‌پشتی تو صف مترو بودم.

### #آقای همساده

یکی از آرزوهای من اینه که کولر باشم، سه ماه کار کنم، ۹ ماه بخوابم.

### #تنبیل خان

آقای همساده قدیما یه جیب داشته از در شاگرد پیاده می‌شد. بهش گفتن چرا، گفته می‌خوام اتوبوس بخرم باید عادت کنم.

### #خوشمزه خان

خود سالاد وقتی می‌فهمه گیاه‌خوارها به عنوان ناهار میلش می‌کنن، همون جوری که داره کباب می‌خوره به حال اون‌ها هم گریه می‌کنه.

### #خیل خان

